



# حسابرسی

# تقلب

(بخش اول)

● مترجم: امیر پوریانسنب  
عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران  
نویسندگان: ریتنبرگ و شوایگر

## به جای مقدمه:

تقلب یک معضل و مساله عمده است. طبق برآوردها در آمریکای شمالی و اروپا تقریباً هزینه تقلب ۶ درصد هر دلار درآمد است. از همین رو گزارشگری مالی متقلبانه تا اندازه زیادی اعتماد را از جامعه تجاری و حرفه حسابداری سلب کرده است. همین امر اساساً انتظارات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را از حسابرسان بالاتر برده است؛ آنان انتظار دارند حسابرسان، تقلب‌های با اهمیت را کشف و گزارش کنند. چنانچه حسابرسان در کشف تقلب و ابلاغ آن قصور ورزند، بی تردید شکاف انتظارات بین استفاده‌کنندگان و عملکرد حسابرسان ژرف‌تر و بادوام‌تر خواهد شد. حرفه حسابداری، اگر می‌خواهد خدماتش برای کسانی که تحت حمایتش قرار دارند ماندنی و باارزش باشد باید این شکاف را باریک و پرتراکم کند.

## تقلب و مسئولیت حسابرسان:

### ارزیابی تاریخی

استانداردهای حسابرسی AICPA صریحاً اعلام می‌کند که منطقی نیست از حسابرسان انتظار داشته باشیم تمام تقلب‌ها را کشف کنند زیرا ممکن است مدیران با زیرکی برخی تقلب‌ها را دست‌ورزی و پنهان کرده باشند. اما هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (PCAOB) با این دیدگاه موافق نیست.

رسالت PCAOB این است که اعتماد سرمایه‌گذاران و عموم جامعه به حسابرسان مستقل شرکت‌ها را بازسازی کند. تردیدی نیست که تکرار رسوایی‌های حسابداری و قصور حسابرسان اعتماد عمومی را شدیداً

وجود دارد.

سلب کرده است...

با وجود این، ماهیت تقلب هم عمدی و هم فریب‌کارانه است. بنابراین منطقی است که حسابرسان در قبال کشف تمام تقلب‌هایی که به نسبت صورت‌های مالی با اهمیت اند حساب‌پذیر و پاسخگو باشند. افزون بر این، آیا آستانه اهمیت مربوط به تراکنش‌های متقلبانه (به دلیل امکان درگیری مدیریت) باید در سطح ریالی پایین‌تری از کژنمایی‌های غیرمتقلبانه یا اشتباهات رقم بخورد؟ آیا واگذاری مسئولیت کشف محرک‌های تقلب به حسابرسان باعث خواهد شد هزینه حسابرسی آن قدر بالا برود که دیگر توجیه‌پذیری اقتصادی نداشته باشد؟ حسابرسان به چه فنون یا ابزارهایی نیاز دارند تا به

کشف تقلب با اهمیت یکی از انتظارات منطقی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی حسابرسی شده است. جامعه به این تضمین نیاز و انتظار دارد که صورت‌های مالی حاوی کژنمایی با اهمیتی در اثر تقلب نباشد. اگر حسابرس مستقل نتواند این تضمین را بدهد، کارش ارزش بسیار ناچیزی دارد. پیام PCAOB کاملاً روشن است: حسابرسان باید مسئولیتی بیشتر در قبال کشف تقلب بپذیرند و به استفاده‌کنندگان اطمینان دهند که صورت‌های مالی حاوی تقلب با اهمیت نیست. اگر حسابرسان نتوانند این اطمینان یا تضمین را به دست دهند، آنگاه توجیه‌اندکی برای کارکرد حسابرسی



استفاده کنندگان اطمینان بخشند می توانند به صورت منظم تقلب را کشف کنند؟ نهایتاً آیا تفاوتی بین مسئولیت های حسابرسان شرکت های سهامی در مقایسه با شرکت های غیرسهامی وجود دارد؟ یا آیا تفاوتی بین تقلب که در صدر کژنمایی صورت های مالی است، در مقایسه با تقلب کارکنان وجود دارد؟ اینها پرسش های مهمی است که در این مقاله به آنها می پردازیم.

### اندازه تقلب

رسوایی ها و درهم شکستگی های مالی شرکت های غول آسا مانند انرون، ورلدکام، پارمالت و ادکو تنها نمونه ای از رسوایی های بزرگ مالی است که از آغاز هزاره سوم در بازارهای سرمایه رخ دادند و به سلب اعتماد جامعه سرمایه گذاران از حسابداران و حسابرسان انجامیدند. وجود تقلب به یک اپیدمی در جامعه گزارشگری مالی تبدیل شده است. تقلب فقط به شرکت های بزرگ یا به مدیران اجرایی و مالی محدود نمی شود. در واقع شامل تمام تقلب هایی است که کارکنان سازمان ها انجام

می دهند. برای مثال، اخیراً ارنست اند یانگ برآورد کرد که ۸۵ درصد بدترین تقلب های درون سازمانی را شاغلین بخش حقوق و دستمزد مرتکب می شوند. افزون بر این، تقلب به آمریکای شمالی و اروپا محدود نمی شود. تقلب های بزرگ در اهلند، پارمالت ایتالیا، دکو سوئیس و ده ها نمونه دیگر نشان داد که تقلب پدیده ای بین المللی است.

در ۲۰۰۲، انجمن بازرسان تقلب آمریکا (ACFE) پژوهشی را انجام داد و ضمن آن ماهیت تقلب در ایالات متحده را به طور گسترده بررسی کرد. آنان برآورد کردند که ۶ درصد کل درآمدها در اثر تقلب از دست می رود. این برآورد وقتی به دلار ترجمه می شود بیانگر تقلب سالانه بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلار است. این اعداد و ارقام شامل زیانی نیست که سرمایه گذاران در تقلب های گزارشگری مالی عمده مانند انرون تحمل کردند (که به تنهایی بیش از ۹۰ میلیون دلار ارزیابی می شود).

ارنست اند یانگ گزارش کرد که شمار تقلب های گزارش شده بین ۱۹۹۲ و ۲۰۰۲ دو برابر شده است، همچنین گزارش کرد که فقط ۲۰ درصد از تقلب ها تاکنون به عموم گزارش شده اند. آنان برآورد کرده اند که:

- ۲۰ درصد از تقلب ها کشف و گزارش شده اند.
  - ۴۰ درصد از تقلب ها کشف شده اند، اما تحت پیگرد قرار نگرفته یا گزارش نشده اند.
  - ۴۰ درصد از تقلب ها هرگز کشف نشده اند.
- گزارش ACFE نشان می دهد که شرکت های کوچک نسبت به تقلب و سوء استفاده های شغلی بسیار

آسیب پذیرند. به طور میانگین زیان هر بار تقلب در شرکت های بزرگ ۹۷ هزار دلار هزینه دارد. مطالعه COSO که در ۱۹۹۰ انجام شد نشان داد که اکثر تقلب ها در شرکت های کوچک تر یافت شده اند.

### تعریف تقلب

تقلب به لحاظ سنتی در دو مقوله فراگیر تعریف شده است: اختلاس و تقلب گزارشگری مالی. فصل مشترک همه تقلب ها نیت گول زدن به منظور رسیدن به نفع شخصی است. به این لحاظ تقلب به دلیل قصد گول زدن با اشتباه تفاوت دارد.

### اختلاس

یک اختلاس (سوء استفاده از دارایی ها) در مقام نوعی تقلب تعریف می شود که در آن یک کارمند، دارایی ها را از یک سازمان به منظور کسب سود یا افزونه شخصی برمی دارد. مثال هایی از این دست عبارتند از دزدی (اختلاس) دارایی ها مانند نقد یا کالا، یا دست ورزی در انتقالات بین بانکی. انجمن حسابرسان تقلب اختلاس را به تقلب های برخاسته از فساد مالی و تقلب های سوء استفاده از دارایی ها تقسیم می کند.

### تقلب های برخاسته از فساد

تقلب برخاسته از فساد مالی به عنوان تقلبی تعریف می شود که در آن متقلبان از نفوذ خودشان در یک تراکنش مالی به منظور کارپردازی برای منافع شخصی خودشان یا شخص دیگر به غلط استفاده می کنند. مثال های عمومی عبارتند از پذیرش حق و حساب (پورسانت) و درگیر شدن در تضادهای منافع. به عنوان مثال، شرکت هالپیرتون گزارش کرد که در اوایل ۲۰۰۴، ۲ تن از کارکنانش

برای پوشاندن پول دزدی دستکاری می‌کنند.

■ دست‌ورزی به مخارج نقدی از طریق شرکت‌های ساختگی یا کارکنان ساختگی برای رسیدن به نقد.

■ کالادزدی یا دزدی سایر دارایی‌ها و دست‌ورزی به مدارک مالی برای پوشش تقلب.

تقلب گزارشگری مالی نیز به راه‌های گوناگونی انجام می‌شود. به خاطر بسیاری که تقلب گزارشگری مالی که پیش از این توضیح داده شد از جنس تقلب‌های دیگر نیست. بلکه متضمن دست‌ورزی در صورت‌های مالی به منظور ارائه تصویری بهتر از نتایج مالی است. عمده‌ترین انواع تقلب گزارشگری مالی عبارتند از:

- بیش‌نمایی دارایی‌ها و کم‌نمایی هزینه‌ها
- بیش‌نمایی درآمدها و بیش‌نمایی دارایی‌ها
- کم‌نمایی دارایی‌های دزدیده شده (اختلاس‌ها)

### ارزیابی تقلب و مسئولیت حسابرسی

جالب است بدانید، حسابرسی به عنوان سازوکار کشف تقلب آغاز شد. در اوایل سده ۱۶ میلادی، کشتی‌ها از انگلستان به سوی دنیای "ناشناخته" برای تجارت طلا و برده، بادبان برمی‌افراشتند. شمار رفتارهای غیرصادقانه ناخدایان و دریانوردان و نوع تجارت آن زمان ایجاب می‌کرد که ناخدایان و ماجراجویان کشتی‌ها دفاتری را نگاه دارند. بنابراین حساب‌برسان در ابتدا توسط مالکان کشتی‌ها برای "حسابرسی" دفاتر استخدام شدند تا ببینند که آیا تقلبی به ضرر شرکت صورت گرفته است یا خیر. تأکید بر تقلب به عنوان تمرکز اصلی

افزایش متناسب در ثروت شخصی هستند. SAS شماره ۹۹ سه راه را نشان می‌دهد که در آن دست‌کم تقلب رخ می‌دهد.

■ دست‌ورزی، دروغ‌پردازی، یا تغییر مدارک حسابداری یا مستندات پشتیبان.

■ ارائه نادرست یا حذف رویدادها، تراکنش‌ها، یا دیگر اطلاعات مهم.

■ استفاده نادرست عمدی از اصول حسابداری.

مثال‌های عام از گزارشگری مالی متقلبانه شامل بیش‌نمایی دارایی‌ها، کم‌نمایی هزینه‌ها، یا طبقه‌بندی نادرست بدهی‌هاست. مثال‌های پرشماری وجود دارد، اما شاید بهترین آنها در ورلدکام جایی که شرکت سود را با سرمایه‌ای کردن هزینه‌ها افزایش می‌داد رخ داد. نمایشگری ۱ تصویر کلی از انواع تقلب را نشان می‌دهد.

تا کنون رده‌بندی یگانه و قطعی از تقلب‌ها به عمل نیامده است. این تصویر کلی را ACFE به دست داده است و این رده‌بندی راهنمایی برای نگاه به تقلب به دست می‌دهد. فساد مالی از آن رو رخ می‌دهد که موارد زیر وجود دارد:

■ تضاد منافع در مقام‌ها و جایگاه‌های معین

■ وضعیت‌هایی که با رشوه می‌توان بر اعمال دیگران تأثیر گذارد.

■ وضعیت‌هایی که انعام و سپاسداری اجباری می‌تواند بر اعمال دیگران تأثیر بگذارد.

■ وضعیت‌هایی که می‌توان در آن از اخاذی و زورگیری اقتصادی استفاده کرد.

سوءاستفاده از دارایی‌ها به راه‌های زیادی رخ می‌دهد. سه راه عمده زمانی رخ می‌دهد که کارکنان:

■ به نقد دسترسی دارند و حساب‌ها را



۶ میلیون دلار حق و حساب گرفتند تا سفارش‌های یک شرکت نفتی کویتی را به عنوان بخشی از پروژه بازسازی زیرساخت‌های نفتی عراق بگذارند.

### سوءاستفاده از دارایی‌ها

سوءاستفاده از دارایی‌ها متضمن دزدی یا استفاده نادرست از دارایی‌های یک سازمان است. مثال‌هایی از این دست عبارتند از ناخنک زدن یا رویه‌برداری از درآمدها، کالاریایی و تقلب در حقوق و دستمزد. سوءاستفاده از دارایی‌ها که مسلط‌ترین ترفند تقلب در شرکت‌های کوچک است، به صورت دزدی دارایی‌های شرکت اتفاق می‌افتد. یک نوع مرسوم از سوءاستفاده‌ها به صورت دریافت چک یا وجه نقد از مشتری و انتقال آن به حساب شخصی و سپس پوشش آن با حذف حساب دریافتی از مدارک است.

### تقلب گزارشگری مالی

تقلب گزارشگری مالی عبارت از دست‌ورزی عمدی در نتایج گزارش‌های مالی برای کژنمایی تصویر اقتصادی شرکت است. عاملین این تقلب‌ها درصد کسب افزونه از بالا رفتن قیمت سهام و

حسابرس تا اوایل سده ۱۹ یعنی زمان توسعه بازارهای مالی در آمریکا ادامه یافت. هر قدر بازارها توسعه می‌یافتند، شرکت‌های سهامی عام نیز به دفترآرایی بیشتری روی می‌آوردند.

### تمرکز اولیه بر اختلاس

متأسفانه، تقلب با کسب و کار از اولین سپیده دمش همزاد و همراه بوده است. به یاد بسپارید که بسیاری از این تقلب‌ها در شرکت‌های کوچک رخ می‌دهد که از اندازه کافی برای تفکیک وظایف برخوردار نیستند. بنابراین ابتدا تمرکز حسابرسی بر تقلب‌ها علیه شرکت‌ها، یعنی، اختلاس صورت می‌گرفت. به تدریج انواع گوناگونی از ترفندهای تقلب تکامل یافتند، اما بیشترین آنها شامل دسترسی به نقد و پوشش نقدریایی از طریق مدخل‌های حسابداری گوناگون بود. یکی از تقلب‌های شناخته شده و مرسوم عبارت از لپبر بود. این تقلب زمانی رخ می‌داد که یک نفر نقد را

هنگام تسویه حساب‌های نسبه برمی‌داشت. با وجود این مرتکب شونده می‌دانست که مشتری نهایتاً شکایت خواهد کرد، بنابراین شخصی که نقد را برداشته بود دریافت از مشتری بعدی را به حساب مشتری قبلی منظور می‌کرد. تقلب‌های پیچیده‌تر حساب‌های دریافتی به منظور کاهش مانده‌های حساب شرکتی که رسیده‌های سرقت شده بود به تدریج پیدا شد. این نقشه‌های تقلب آمیز به صورت (الف) ثبت تخفیفات بزرگ برای مشتریان و (ب) استفاده از ثبت‌های روزنامه برای حذف حساب‌ها به خاطر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول اجرا می‌شد.

### اکویته فاندینگ، رسوایی که برای

### همیشه ماهیت تقلب را تغییر داد

در ۱۹۷۳، تقلب اکویته فاندینگ رخ داد و دنیای مالی را برای همیشه تغییر داد. اکویته فاندینگ ماجرای جذابی داشت: شرکت یک نوع سیاست نامه بیمه

می‌فروخت که به یک سرمایه‌گذاری در صندوق مشاع متصل بود. هم این که ارزش صندوق مشاع افزایش می‌یافت، سود تقسیمی کافی برای پرداخت به سیاست‌های بیمه فراهم می‌شد. بنابراین، دارندگان یک بیمه‌نامه کم‌هزینه داشتند. رشد اکویته فاندینگ قابل توجه بود، قیمت سهامش با یکی از بیشترین ضرایب P/E در وال استریت مجادله می‌شد. متأسفانه، فقط بخش کوچکی از شرکت حقیقت داشت. وقتی که تقلب برملا شد، بازرسان دریافتند بیش از دو سوم بیمه‌نامه‌ها اصلاً وجود نداشتند. تقلب زمانی کشف شد که یک حسابرس به یک کارگزار از وجود بیمه‌نامه‌های واهی خبر داد. زمانی که تقلب برملا شد، اولین واکنش حرفه حسابداری این بود که این نقشه چنان ماهرانه طراحی شده بود که حسابرسان شانس برای کشف آن نداشتند. با وجود این، بررسی بیشتر حاکی از آن بود که نارسایی در رویکردهای حسابرسی و شک‌آوری

نمایشگر ۱: طبقه‌بندی تقلب و سوءاستفاده شغلی

فساد مالی	سوءاستفاده از دارایی‌ها	گزارشگری مالی متقلبانه
<ul style="list-style-type: none"> <li>تضاد منافع</li> <li>رشوه‌خواری</li> <li>سپاسداری غیرقانونی</li> <li>اخاذی و زورگیری اقتصادی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ترندهای نقددزدی</li> <li>مخارج متقلبانه</li> <li>کالادزدی</li> <li>دزدی سایر دارایی‌ها</li> <li>استفاده غیرقانونی از دارایی‌ها به عنوان دارایی شخصی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>(۱) بیش‌نمایی دارایی‌ها: <ul style="list-style-type: none"> <li>دریافتی‌ها</li> <li>کالا</li> <li>نقد</li> <li>سرمایه‌گذاری‌ها</li> </ul> </li> <li>(۲) بیش‌نمایی درآمدها: <ul style="list-style-type: none"> <li>دوره نادرست</li> <li>قراردادهای موهومی</li> </ul> </li> <li>(۳) کم‌نمایی هزینه‌ها: <ul style="list-style-type: none"> <li>دوره اشتباه</li> <li>سرمایه‌ای کردن</li> <li>مستهلك کردن</li> </ul> </li> <li>(۴) کم‌نمایی بدهی‌ها: <ul style="list-style-type: none"> <li>دست‌ورزی در تراکنش‌های اشخاص وابسته</li> </ul> </li> <li>(۵) سایر کم‌نمایی‌ها</li> </ul>

**تقلب زمانی رخ می‌داد که**  
**یک نفر نقد را هنگام**  
**تسویه حساب‌های نسبه**  
**برمی‌داشت با وجود این**  
**مرتکب شونده می‌دانست**  
**که مشتری نهایتاً شکایت**  
**خواهد کرد، بنابراین شخصی**  
**که نقد را برداشته بود**  
**دریافت از مشتری بعدی را**  
**به حساب مشتری قبلی**  
**منظور می‌کرد**

حرفه‌ای دلیل این ناتوانی بوده است و بعدتر حرفه دریافت که باید به این نارسایی‌ها پرداخته شود.

### درس‌هایی که از اکوییتی فاندینگ آموختیم

شماری از مهم‌ترین درس‌هایی که تقلب اکوییتی فاندینگ به ما آموخت عبارتند از:

- هرگاه حسابرسان تمام شرکت را حسابرسی نکنند بنابراین ریسک می‌پذیرند.

- حسابرسان باید به مفروضات اقتصادی زیربنای رشد یک شرکت توجه کنند. برای مثال، یک صندوق مشاع در بازار کاهشی نمی‌تواند سود مورد نیاز برای پرداخت حق بیمه سرمایه‌گذاران را تولید کند.

- حسابرسان باید عوامل ریسک را ارزیابی کنند و وقتی ریسک تقلب بالاست، باید شواهد حسابرسی نیرومندی را درخواست کنند.

- اشتباهات رایانه‌ای را نباید به عنوان یک بهانه و عذر نگریست، بلکه نشانگر مساله‌ای هستند که مستلزم شک و تردید بیشتری است.

- صاحبکاران مسلط و بانفوذ نیز می‌توانند مساله‌دار باشند. مؤسسه حسابرسی نباید اعتقاد داشته باشد که صاحبکاری اصلاً مساله ندارد.

- حسابرسان باید بدانند که چه چیز مدیریت را برمی‌انگیزد. در این مورد خاص و بسیاری از موارد شبیه به این تمام ثروت مدیران درگرو قیمت‌های سهام یا امتیازنامه‌های سهام است.

- حسابرسان نباید فرض کنند که تمام مردم درستکارند. در اکوییتی

فاندینگ (مانند انرون)، افراد زیادی در این تقلب درگیر بودند.

- از همه مهم‌تر، نماگرهایی از ریسک تقلب وجود داشت که حسابرس باید آزمون می‌کرد.

حرفه حسابداری به این تقلب واکنش شدیدی نشان داد. بسیاری از مؤسسات ملی بزرگ معتقد بودند که اگر می‌خواهند کماکان یک حسابرس پیشرو باقی بمانند باید تمام یک شرکت را حسابرسی کنند. مؤسسات حسابداری و دانشگاهیان پژوهش‌هایی را آغاز کردند تا رخصاره‌های ریسک شرکت‌ها را بشناسند.

بسیاری از مؤسسات حسابداری مهارت‌های حسابرسی رایانه‌ای‌شان را ارتقا دادند. از همه مهم‌تر، اکثر مؤسسات حسابداری دریافتند که تقلب‌های گزارشگری مالی کماکان رخ خواهند داد و آنها باید پرونده‌های ریسک را برای تمام صاحبکارانشان، بزرگ و کوچک، شرح و بسط دهند.

### تقلب‌های

#### گزارشگری مالی - گزارش دوم COSO

کارگروه سازمان‌های حامی مالی کمیسیون تردوی (COSO) دو مطالعه بزرگ در مورد دامنه وقوع تقلب انجام داد. مطالعه دوم که اخیراً انجام شد مطالعه شرکت‌هایی بود که SEC اعلام کرده بود در دهه ۱۹۹۰ مرتکب تقلب گزارشگری مالی شدند. این مطالعه ویژگی‌های عمده شرکت‌هایی را که قربانی تقلب شده بودند شناسایی کرد. این شرکت‌ها:

- کوچک‌تر (کمتر از ۲۰۰۰ دلار درآمد سالانه) از اکثر شرکت‌های فهرست شده

در SEC بودند.

- هیأت مدیره‌ای داشتند که زیر سلطه مدیریت بود.

- کمیته حسابرسی نداشتند، یا اگر داشتند به ندرت تشکیل جلسه می‌داد (و وقتی تشکیل جلسه می‌داد معمولاً کمتر از نیم ساعت در هر سال بود).

- درآمدهایشان و دارایی‌های مرتبط را در بیش از نیمی تقلب‌ها بیش‌نمایی می‌کردند.

- اکثر تقلب‌های درآمد به صورت بازشناسی زود هنگام، یا بازشناسی درآمدهای واهی رخ می‌دادند.

- دوایر حسابرسی داخلی نداشتند.
- تقلب‌ها را در طول دوره‌های نسبتاً طولانی، دو یا چند دوره مالی، مرتکب می‌شدند؛ میانگین دوره‌های تقلب نزدیک به ۲۴ ماه بود.

- پیش از ارتکاب تقلب دارای زیان بودند، یا نزدیک نقطه سر به سر، به سر می‌بردند.

- مدیریت نادرستکار داشتند. مدیرعامل یا مدیر مالی در ۸۳ درصد تقلب‌ها درگیر بودند. بنابراین این تصور تقویت می‌شود که حسابرس احتمالاً در وضعیت‌هایی که ریسک تقلب بالاست به شواهد داخلی اعتمادپذیری دست نخواهد یافت.

این گزارش، همانند دیگر گزارش‌های مربوط به تقلب، حسابرسان را به شناسایی این حقیقت راهبر شد که انتظار زیادی از آنها برای کشف تقلب وجود دارد. افزون بر این، مطالعات، باعث شد حسابرسان نشانه‌هایی را که معمولاً در شرکت‌های تقلب زده وجود دارد بشناسند.



منبع: